

# فلسفہ کانت

نوشتہ اشتفان کورنر

ترجمہ عرت اللہ فولادوند



شرکت سهامی انتشارات حواری

# فهرست

- گفتار مترجم  
۱  
آثار سخن (۱) رمنه تاریخی و فرهنگی فلسفه کانت (۴) رمنه فلسفی فلسفه کانت  
(۲) افعال فلسفی کانت (۳۹) مسرات کانت (۶۱) الف هگل (۶۴)، ب مارتس  
(۷۶)، ح بوکاسسم (۸۰)، د مکت فرانکفورت و نظریه بندی (۱۰۷)، ه لوجو  
کولی (۱۱۷)

## فلسفه کانت

- یادداشت ویراستار (ا ح ایر)  
۱۳۱  
دیساچه  
۱۳۳

- ۱۳۵  
۰۱. طرح فلسفه نقدی  
کشش نه‌ماندالطیبه (۱۳۵) تقسیم‌بندی احکام در کانت (۱۳۹) تصور کانت از احکام  
ترکیبی پیشین (۱۴۶) حس و فهم و عمل (۱۵۱)

- ۱۵۸  
۰۲. مکان و زمان و ریاضیات  
زمان و مکان به‌عنوان حریمات پسین (۱۵۸) مسأله حقیقت مکان و زمان (۱۶۴) رابطه  
فلسفه ریاضی کانت با نظریه‌های معاصر (۱۶۶)

- ۱۷۰  
۰۳. دستگاه مفاهیم پیشین  
منطق صوری و منطق اسمی (۱۷) روش کشف مفاهیم فهم محصص (۱۷۴) از صورت  
منطقی احکام تا مقولات (۱۷۹) اندیشیدن و پیوند دادن (۱۹) کاربرد روا و ناروای  
مقولات (۱۹۶)

- ۲۰۴  
۰۴. دستگاه مادی ترکیبی پیشین  
چگونگی اخلاق مقولات (۲۰۴) ماده احکام (نظری) پیشین (۲۱۰) جهان پدیدارها و  
جهان دوات معمول (۲۲۸) کانت و مذهب اصالت عقل (۲۳۴) مقولات و مادی پیشین  
در فلسفه معاصر (۲۳۹)

۵. پندارهای مانع‌الطبیعه  
سرچشمه صور عمل محض و احکام مانع‌الطبیعه مطلق (۲۴۵) پندارهای روانشناسی نظری (۲۵۲) پندارهای کیهانشناسی نظری (۲۵۵) پندارهای حداشناسی نظری (۲۶۱) کاربرد موحه صور عقل محض (۲۶۶)
۶. بیان کانت دربارهٔ اخلاق  
نصور عقل عملی (۲۷۲) وطیعه و دستور عمل و قانون اخلاقی (۲۷۶) امر مطلق به‌عنوان معیار اخلاق (۲۸۴) مسأله عینیت امر مطلق (۲۹۱) خودآیسی اراده (۲۹۶)
۷. اخلاق و رابطه آن با علم و دین  
احتیاج در اخلاق و ضرورت در طبیعت (۳۰۲) وطیعه و بیکی اخلاقی (۳۰۹) اصول موضوعه عقل عملی (۳۱۵) اخلاق و دینیت (۳۲۱) رابطه فلسفه اخلاق کانت با بعضی نظریه‌های اخلاقی معاصر (۳۲۵)
۸. نظریه کانت دربارهٔ ذوق زیباشناسی  
مقام «بعد» سوم و قوه حکم ناملی (۳۲۹) قوه حکم ناملی، ذوق زیباشناسی و تعلیل بر مبنای غایت‌شناسی (۳۳۵) داوری دربارهٔ ریبابی (۳۳۹) ریبابی و والابی و تحریر اخلاقی (۳۴۶)
۹. تعلیل بر مبنای غایت‌شناسی  
موضوع بعد قوه حکم ناظر بر غایبات (۳۵۵) تصور غایت در طبیعت ( ۳۶) ماشسوارگی و غایت‌شناسی (۳۶۹) گمان و شناحت و ایمان (۳۷۷)
- ۳۸۱ صمیمه الف. نکاتی دربارهٔ زندگی کانت  
۳۸۷ صمیمه ب بعضی از چاپها و ترجمه‌های آثار کانت  
۳۸۹ صمیمه ج بعضی از تفسیرها  
۳۹۱ واژه‌نامه انگلیسی به فارسی  
۴۰۷ واژه‌نامه فارسی به انگلیسی

## طرح فلسفه نقدی

### ۱. کشش به مابعدالطبیعه

کلمه «مابعدالطبیعه» احتمالاً چیری دشوار و غیرعادی و غریب را به دهش متناذر می‌کند، ولی حسهٔ مأنوسی بیر در آن هست. برای بیشتر ما اوقاتی پیش می‌آید که بنظر می‌رسد همگامی که تأمل می‌کنیم و به فکر می‌رویم، به نا مشکلی خاص و حداگانه یا حسه‌ای مشخص از تحریباتی که کسب کرده‌ایم، بلکه نا تجربه یا رندگی یا هستی به طود کلی روبرو می‌شویم چنین اوقات را می‌توان لحظه‌های مابعدالطبیعی یا فلسفی نامید. توصیف و تشریح چنین لحظات آسان نیست و از جهت مقصودی که در پیش داریم، لرومی هم ندارد اما برای آنکه مطلب احتمالاً و به نحو غیر مستقیم مشخص شود می‌توان گفت که اگر اینگونه لحظه‌ها پیش نمی‌آمد، به دیانت حاصلی می‌داشت و به جدان فایده‌ای بر بسیاری از آثار هری و فلسفی مترتب می‌شد

دست کم هر کس به فرهنگ ما تعلق داشته باشد و به ژرف‌اندیشی دربارهٔ حالات مابعدالطبیعی یا فلسفی حویس بپردازد، به تأمل در مسائلی دربارهٔ معنای رندگی کشانده می‌شود که عمقاً دارای اهمیت است یا لا اقل بنظر می‌رسد حائر اهمیت نباشد. مسائلی دربارهٔ مرگ و نقای نفس، دربارهٔ اختیار در قلمرو احلاق و وحووب در طبیعت و سرانجام در سازهٔ هستی خداوند حتی پیچیده‌ترین و پردامنه‌ترین مشکلات علوم طبیعی و ریاضیات بیر ممکن است در سحش با این مسائل واقعاً یا طاهرأ مابعدالطبیعی، کم اهمیت و حتی پش پنا افتاده بنماید

مخصوصاً احتیاط کردم نگویم مسائل واقعاً یا ظاهراً مانع‌الطبیعی و نه صرفاً مانع‌الطمعی بدون هیچ قید، و اکنون باید دلایل ایس احتیاط را ذکر کنم وقتی این دلایل ذکر شود، صماً یکی از مسائل فلسفی بزرگ صورت‌بندی خواهد شد که اتفاقاً مهمترین مسأله برای کانت بوده‌است و هنوز هم دل‌مشغولی عمدهٔ فلاسفهٔ معاصر است. ندین منظور بحسب نه احتمال نشان خواهیم داد که چه تفاوت‌هایی بین مسائل ریاضیات و علوم طبیعی و مسائل مانع‌الطبیعه وجود دارد.

پاسخ بسیاری از مسائل ریاضی هنوز دانسته نیست اما می‌دانیم - یا لاقلاً متخصصان ریاضی در میان ما می‌دانند - که وقتی خوانی پیشنهاد شد، چگونه تعیین کنیم که آیا قابل قبول است یا نیست. برای اینکه پاسخی قابل قبول باشد، باید به اثبات برسد و نشان داده شود که مطابق برخی روشهای تعریف شدهٔ اسلوب ریاضی ندسب آمده‌است بدون این روشها، علم ریاضی امکان‌پذیر نیست نه همیسی وحه، در علوم طبیعی بزرگ بعضی روشهای نسبتاً تعریف شده هست که در طبق آنها تعیین می‌کنیم - یا متخصصان در میان ما تعیین می‌کنند - که آیا فلاں فرضیهٔ علمی<sup>۱</sup> پذیرفتنی است یا نه.

الته فرق بزرگی است بین روس اثبات قضایای ریاضی<sup>۲</sup> و روش احرار قابل قبول بودن فرضیه‌های علمی از این گذشته، روشها همیشه آنچه‌ای واضح تعریف شده‌اند و حدشان روشن نیست که امکان ماقشه در میان متخصصان از بس برود نا ایهمه، واقعیت حالت توحه این است که صاحب نظران در ریاضیات و علوم طبیعی غالباً بر سر این موضوع به توافق می‌رسند که آیا پاسجهای پیشنهاد شده به مسائلی که در رشته‌هایشان پیش می‌آند، پذیرفتنی است یا نه.

در واقع می‌توان چس گفت که هیچ مجموعه‌ای از گزاره‌ها<sup>۳</sup> (یا تحقیقی که به بیان گزاره‌ها انجامیده باشد) دارای شأن علمی نیست مگر نا داشتن روشی که بدان وسیله بتوان قابلیت قبول گزاره‌ها را به آزمون

1 scientific hypothesis      2 mathematical theorems

۳ statement «گزاره» تعمیر لفظی تصدیق یا حکمی است که در ذهن حاصل می‌شود (مترجم)

گذارد البته برای اینکه دستگاهی از گزاره‌ها یا تحقیقی خاص به علم مدلل شود، وجود این شرط نتهایی کفایت نمی‌کند، چه اگر می‌کرد، کافی بود حظ‌شناسان و ستاره‌شناسان بزرگ برای تحلیل شخصیت و مس از روی حظ اشخاص یا برای پیشگویی بر پایهٔ وضع نسبی ستارگان، روشی در پس گیرند تا آنان بزرگ به سلک دانشمندان درآیند پس باید ویژگیهای دیگری بزرگ موحود باشد تا بدان وسیله علم از شمه علم و غیر علم تمیز داده شود ولی نا این مقدمات، حتی بدون اینکه کسی بخواهد به حسنجوی اینگونه ویژگیها و نشانه‌ها برای تشخیص علوم برآید، لاند از هم‌اکنون مشکوک نظر می‌رسد که تحقیق دربارهٔ حلود نفس یا اختیار یا حداوند یا مسائل مانع‌الطبیعی دیگری از ایس قسم، اصولاً حا داشته باشد نه هیچ مفهوم، علم محسوب گردد گرچه حکمای مانع‌الطبیعی بزرگ ماسد دانشمندان به ماقشه می‌پردازند که آیا فلاں شرح، حاوی پاسخ درست نه فلاں مسأله هست یا نه، اما موافقتی میانشان نیست که حتی اگر به پاسخ درست برحورددند، چگونه درستی آن را تشخیص دهند.

سائرین، عجالاً فرص می‌گیریم که مانع‌الطبیعه علم نیست. البته این نباید بدان معنا تلقی شود که مانع‌الطبیعه هرگز ممکن نیست به علم مدلل شود. بسا که به این جهت هنوز دوران شیرحوارگی را می‌گذراند که روشهای درحور آن هنوز از اصول ناسره و بیگانه نسب به آن، تفکیک شده‌است فراموش نکنیم که اصول صحیح علم ریاضی تا مدت‌های مدید چنان نا قواعد سرانگشتی تجربی درآمیهخته بود که حدا کردن یکی از دیگری میسر نمی‌نمود و تفکیک علوم طبیعی از سحر و حادو بزرگ یکی از دستاوردهای نالسسه احیر بشر بوده‌است.

ولی با ایهمه، امید به پدید آمدن مانع‌الطبیعهٔ علمی چندان موحه نظر نمی‌رسد معلوم نیست چگونه است که مانع‌الطبیعه از اینکه به علم مدلل شود ناتوان نظر می‌آید آنچه مسائل مانع‌الطبیعه خوانده می‌شود، فاقد هرگونه قدر و اهمیت نظری است، زیرا اگرچه بظاهر سؤالاتی طرح می‌کند، اما احتمالاً ماسد يك آه یا شعر یا سمعونی، فقط نمودار بعضی حالات و عوالم دروسی است. البته حتی اگر ثابت می‌شد که مسائل مانع‌الطبیعی چیزی حرا این نیست، باز این واقعیت بسیار مهم مردمشناسی